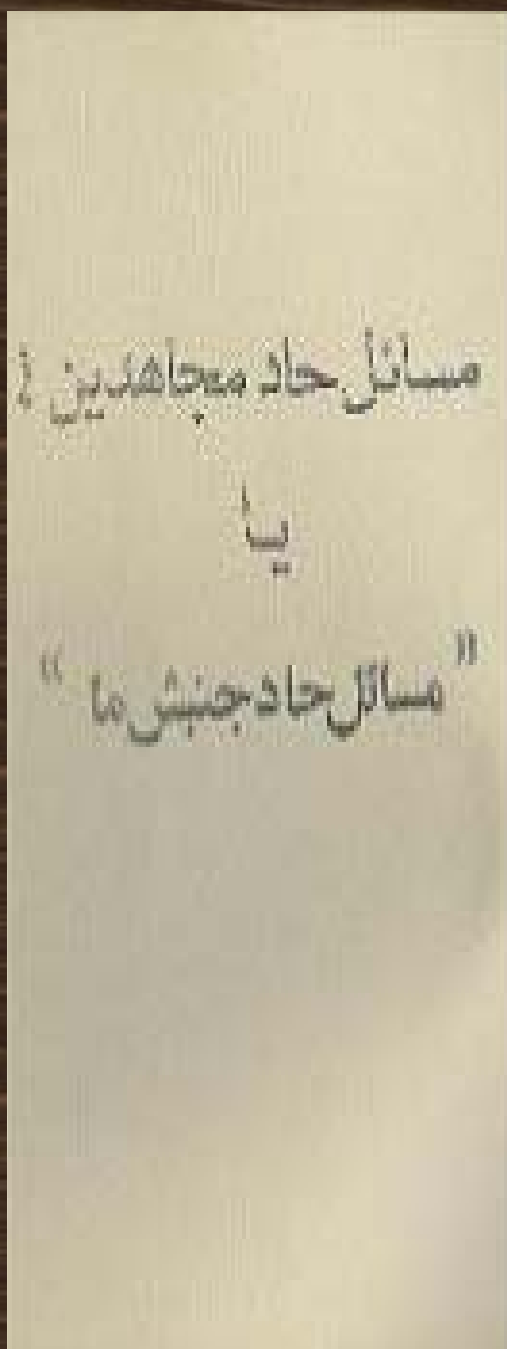




91

ریاکاران و شایعه پراکنانه رشد انقلابی " بر مبنای اطلاعاتی که تازه قصد تحلیل در باره چند و چون آنها را دارند " مطرح شده است تا بحیال خود ما را در " موضع دفاعی " قرار دهند . بهرین وسیله مسئولیتی باین حد را از گروه های ارتجاعی و رژیم ایران به عوین میتوان انتقاد داشت ولی افسوسناکست که سازمانی که مدعی انقلابی بودن است ، تا باین حد ساقط کند و برای مبارزه با کمانی که از میده مبارزه با آنها بطریق اصولی بر نمیدارد است . برای مبارزه با کمانی که به پیشتاز و استعمار آنها جانی بر پذیرش " جبهه واحد " توده های " فاطمیه جواب رد داده اند . باین ریاکاریها متوسل نشود و اقتدر هم خود را مسئول نداند و برای خلق بهتری ارزش قائل نشود که يك جزا از این " اطلاعات وارده " را بطرح ساخته و افشای کند . انتخاب این رویه مشخص گفته از جانب کمانی که بر مبنای همین نوع " اطلاعات " ، انقلابی ، شیعیه مرتضی مدیه لمداف " ز " زمانه " جبهه به همکاری با پلیس میکنند و بکمال معصده خافخانه و حیوانه آنسرا را لایلهای مطبوعه یا ژورنی در زدگی پس بگیرند ، قمر مظهر نیست . اصلا ما از این اتهام زندگان معواهم گذشت و تا روزی که ناشرین این جزوه بپروژه اتهام توخیرا پس نگیرند آنها را بعنوان کذابان بی رویه و شایعه سازان معصیه تلقی خواهم کرد . کمانی که خلاق و شعیه و تهاجه را ابزار مناسب کار داخل سازمانی خود برای " مبارزه ایدئولوژیک " تشخیص داده اند با تشخیص این امر که نمیتوانند همین شیوهها را در خارج اعمال کنند ، به شیوههای دیگر ولی بجهان اندازه مردود و ضد انقلابی متوسل شده اند . " مارکسیسم " که با شلاق پذیرفته شده باشد و شیعه تد اومش بخار افلاخ اخیر " تصفیهدگان " ضبط شناساها و با سیر و شیول " باشد " مبارزه ایدئولوژیک و خارج سازمان باین حد وارد آید بن اتهام ، جعل و تحریف عظیم میکند . ما همین ابراز شغف از عدم نسبت باین شیوه عمل ساطلی را گفتاگون بملحاحا راجعت موازین امنیتی مطرح نکردیم . — اکنون که انتشار نوعت فوق الذکر محظورات امنیتی را بهر حال متغی کرده است — مقصدا همراه با بد ارفه گنی موجود بزودی منشور خواهیم ساخت تا نشان داده شود که متغیرین مسائل به چه ابزار و شیوه هایی متوسل میشوند . " اصول ایدئولوژیکشان " چیست و چگونه میکوشند بی کفایتی خود را در جلب همکاری سازمانهای انقلابی منطقه با وارد آوردن اتهامات نابکارانه به همه و نتیجه به سازمان متوجه کنند .

ما اختار میکنیم که نه جداها را پذیرفیم و نه از تباید های آنها ترسیدیم و اکنون نیز در مقابل چوب تکبیر چیزی جز و شخند نداریم .

مطالبی که در آینده مطرح خواهد شد در دو سطح خواهند بود . مطالبی که در رابطه با فعالیت سازمانهای جبهه ملی ایران خارج از کشور است مستقیما توسط ما مطرح خواهند شد . مطالب مربوط به سایت و فعالیت يك گروه کوشش مرتضی بر جبهه در بررسه تجانس و انقاص در سازمان چریکهای فدائی خلق و کم و کیف آن توسط همان گروه منتشر خواهد شد . مسلما ما مقایسه بحث نخواهیم کرد و همان گشسته در مورد طرح مسائل امنیتی بی مالاتی نخواهیم نمود . توضیحات ما مفصل ولی محدود به مطالبی خواهد بود که جهت رویت شدن حلیقت ضرورت مسلم دارد و ارزش خاصی آنها یا انتشار جزوه مجاهدین متغی عده است . ما حدای چکه تزان رژیم را من شلیم و نخواهیم گذشت که طمین کره لقیه های آنان از صبر اینکه " اینها بجهان هم اختار دارند مسائل هم را رو میکنند و بیگ بگر تهت و اخترا میزند " گوش ها را مازارد . ما میتوانیم چنین کنیم با احساس مسئولیت و صبرانه برخورد کنیم و چون متغیر و مصالح نیستیم .

ما اطمینان داریم که این بدیده های دوران شغلیت زنده خواهد شد و بسود بلوغ سیاسی خاصین پیشبرد امر انقلاب ایران خواهد گفت .

سازمانهای جبهه ملی ایران خارج از کشور
(بعضی خاور میانه)

۵۶/۲/۱

در مجموعه های که اخیرا توسط " ارگان خارج از کشور " سازمان مجاهدین تحت نام " مسائل حاد جتیش ما " منتشر شده است مسائل بسیاری مطرح شده است که موضعگیری ما را نسبت به آن ضروری میکند . ما ابتدا به پاره های از اهم نکات آن اشاره میکنیم و سپس اهداف و انگیزه های انتشار این مجموعه را بررسی نموده و به دلائل توسل سنا زمان مجاهدین به این شیوه کار اشاراتی میکنیم .

مسائلی که در مجموعه فوق مطرح شده اند رامیتوان به چند گروه تقسیم کرد . مطالبی در مورد سازمان ما :

۱ — مسائلی حول " هویت سازمانی " ما و نحوه فعالیت ما .

۲ — مسائلی در مورد مناسبات سازمان ما ، رابطه ما با سازمان چریکهای فدائی خلق و نیروهای انقلابی منطقه و نیز " همکاری گسترده " ما با حزب توده .

علاوه بر آن مطالبی در باره :

۳ - سازمان چریکهای فدائی خلق.

۴ - گروه کمونیستی (مکتب باسازمان ما) گذر پروسه
تجانش و ادغام با سازمان چریکهای فدائی خلق، ترار
داشت .

و بالاخره آنچه بنظر نویسندگان این مجموعه جنس *

* مسائل حاد جنبش ما " نبوده - و بنا بر این در مجموعه
نیامده است ولی ما اشاراتی به آنرا ضروری میدانیم :

۵ - هویت کسانی که باسم سازمان معاهدین خلق
ایران سخن میگویند ، ماهیت و عملکرد آنان .

۶ - مسائلی که این افراد را وادار کرده است که به
انتشار این مجموعه دست زنند . اهداف و انگیزه های
آنان .

و بالاخره در پایان به نکات زیر اشاره مختصری خواهم
کرد .

۷ - عکس العمل اقدامات " معاهدین " در ایران و
خارج و دفن شعار جبهه واحد توده های ایشان .

۸ - آموزش از این تجربه و وظائف نیروهای مبارز برای

انتباه به " مرکزیت سازمان " است . ما سازمان معاهدین
کنونی را مخاطب داریم . از صدر تا ذیل آن و همانقدر
از تصمیمات رهبری آنها احساس اشتزاز میکنیم که از ابزار
تاسف های جبهه نامه تمکین کنندگانی که ندای ضعیف
وجدان خفته آنها اکنون وادارشان میکند که بیاد روزگاران
پر صفای گذشته " اظهار محبت کنند . ما اظهار محبت
خروجی ها را پذیرا نیستیم .

در طول هفت سال گذشته ما کوشیدیم که يك کلام از
وضع و چگونگی روابط و مناسبات خود با سازمان های
چریکهای فدائی خلق و معاهدین خلق ایران و سایر
گروه های سازز نوپس ، و با آنکه متوجه بودیم که بهر حال
فعالیت های ما در منطقه و انتشار نشریات داخل از طرف
ما نوعی همکاری را نشان میدهد ، سعی میکردیم که بیش
از آن نگوئیم و با لاف از کم و کیف آن سخن بجان نیاوریم .

و این روش نه تنها در مورد رابطه با سازمانهای ایرانی
مد نظر بود ، بلکه در مورد جنبش های انقلابی منطقه ،
جنبش فلسطین و عمان نیز صادق بود . ما تا به امروز يك
کلام هم در مورد فعالیت های خود در شمار سخن بجان

نگام زدن به اقدامات افسار گسیخته و جلوگیری از ورود
ضربات بیشتر به جنبش انقلابی ایران .

قبل از شروع به توضیح مسائل ، تذکر این نکته را ضروری
میدانیم که بر خلاف رویه ای که معاهدین در جزوه خود بر
گرفته و مرکزیت چریکهای فدائی خلق را از سازمان آنها
جدا کرده اند ، ما چنین نمیکیم . ما با آنکه از شیوه تصمیم
گیری خدای گونه آنان و روابط ارباب و رعیتی و " نظر ادنی
و اعلی " و نحوه اجرای " کلام الهی " مطلع هستیم ، معینا
در افشاگری خود کل سازمان معاهدین را در نظر داریم
و معتقدیم که شك عناصر این سازمان ولو آنکه با مخالف
جزوه انتباه فوق الذکر مخالف باشند ، در وارد آوردن ضربه
به جنبش انقلابی مسلحانه مقصودند . و طبقه عمه عناصر این
سازمان بوده است که با انجام گسیختگی رهبری مبارزه کنند
و اگر کسانی از ترس دچار نشدن به سرنوشت انسان های
والدائی مانند مجید شری ، واقفی و مرتضی صدیق ضیاف ، ترجیح
دا داده اند که به شیوه غروشیف ها متوسل شده و تمکین
کنند (تا روزی که در بر دست آنها بیفتد !) ، حساب و
شمارت ما همانقدر متوجه آنهاست که متوجه تاشیرین مجموعه

تیاوریم و در مورد جنگ های فلسطین هم بحر یکس دو
اشاره کوتاه هرگز سخنی نگفتیم . این خود داری حدت را
بد و دلیل بوده است .

۱ - هرگونه توضیح - ولو مختصر - میتواندست به از یاد
شناخت رژیم از ما و سازمانهای دیگر و مناسبات ما کمک
کند . این شناخت برای رژیم ارزش فوق العاده داشت .
ما میدانستیم رژیم برای کسب این اطلاعات هزاران مامور
پلیس را در داخل و خارج ، در ایران ، تحت ظاهر میانه و
در اروپا و آمریکا بسیج کرده بود ، بودجه عظیمی خرج می
کرد که مناسبات و کم و کیف روابط این سازمانها را بفهمد .
ما میدانستیم که مهمترین اطلاع برای رژیم مهمترین چیزی
که سازمانهای امنیتی در پی آن هستند ، نه اسم و نشانی
افراد ، بلکه دروک روابط و مناسبات درونی و بیرونی
سازمانهاست تا بر پایه آن بتوانند : پتانسیل رشد و تحلیل ،
نوع و جهت حرکت ، - نامه های محتفل آینده ، توانایی ها
و ... را پیش بینی کنند . بنا بر این ما میبایستی
سعی میکردیم که اطلاعات دشمن را محدود نگاه داریم ،
چنین نیز کردیم .

۲- ما موجبی نیز برای تشریح فعالیت های خود نمی دیدیم. فعالیت های ما اساسا بخاطر خود آنها و تاثیر مبارزاتی آنها انجام میگرفت و نه اثر تبلیغاتی آنها. و اگر جز این بود غیر انقلابی بود. اما این امتناع از ذکر فعالیت ها که در شرایط حادی میتوانست بسیار ساده باشد در دوره های خاصی قدری دشوار میشد. معینا ما رویه خود را تغییر نمیدادیم. در مواردی بسبب ولت می دیدیم که امتناع ما از ذکر فعالیت های خود موجب شده است که حدهای بسیار با انتساب آنها بنام خود حده ای دیگر را بفریبند. مثلا شاهد بودیم که چگونه فعالیت های رادیو انقلابیون در ادبوسر و در ادبوسین برستان را حده ای در خارج در نشریات خود با آب و تاب و با خورمیلیهای کندی درج میکنند تا از برتری آن بهره برداری کنند و می دیدیم که چگونه حده ای نیز فریب آنها را میخورند و معینا به همان دلیل فوق حاضر نشدیم سکوت خود را بشکنیم. مطمئن بودیم که گذشت زمان بهترین افشاگر است (و بود! همین گردانندگان رادیو "در راه های گذشته" هنگام تعدیل موسیقی رادیو "شایع گرداند که "جنبه" رادیو را سست است

10

۱۱

تا از سازمانهای داخل دفاع نکند". کافر میشد به واژه زیادی در مورد ایشان میشد فکر. سخت مناسب اینها چیزی است که ما ظم خود را بدان آلوده نمیکیم بخصوص که "پنانی" دیگر وجود ندارند و آن سبب شکست و آن بیعانه رعبت! (بهر حال با آنکه می دیدیم حدهای از فعالیت های مانده تنها برای ارائه نظرات انحرافی بود استفاده میکنند بلکه آنرا حربه ای علیه خود ما (۱) نیز بدل میکنند و معینا صبر بسیار داشتیم. هفت سال تمام. و امروز نیز اگر بی بیلا نیسی عفره و عثمان گنجیگی شیر مستولانه مجاهدین این مسائل را مطرح نکرده بود ما هرگز از آن ها اطمینان نمی بردیم. ولی بهر حال اکنون این مسائل مطرح شده اند. باره ای بد رستی باره ای توام با تحریف و باره ای همراه با جعل و تزویر یا کارانه و طرح این مسائل هم طاسفانه از طرف گروه های کاذبی که کل موجودیتشان معادل یکی دو قلم زن بیسواد در خارج کشور بوده و انجام نشده است که ما مانند گذشته صرفا با بی اعتنائی و تحقیر با آنها مواجه مییم. طرح این مسائل از طرف سازمانی انجام گرفته است که اعتبار مبارزات و جانفشانیهای مدها

مجاهد شهید و اسیر را به نام خود و با اسم "سازمان مجاهدین خلق ایران" نصب کرده است و کسانی که کوشیده اند از درون پوست شیر آوا در دهند و وجه آشناسمت این صدا (و باین جهت است که ما مجبور به شکستن سکوت هستیم. اما سکوت را ما برای آن جانهای افتد از طایفه زبون که بهر حال مجبورند بقی برای خود داشته باشند نمی شکیم. نه! ما چنین توهمی نداریم که آثار هزاران سال سرکوب جامعه طبقاتی و طبقات ارباب و رعیتی را باین سادگی از بین ببریم. شکستن سکوت هفت ساله ما برای اینان نیست. برای کسانی است که میخواهند حقیقت را بگویند و از بهر شاهین و پهلوانی از موعظگری سخنی اعلام نداشته اند که دعوای سازمانهای داخلی و بیرونی ندارد!! "والله اعلم بگویند نویی مرید طبقاتی است"؟ دعوای درون امیرالیهی است که به آنها ربطی ندارد؟ دعوای درون ضربه خا که است که به آنها ربطی ندارد؟ دعوای درون خلق؟ است که بانهای (به به کسانی؟ شد خلق؟) ربطی ندارد؟ دعوای درون "بولتاربا" است که بانهای ربطی ندارد؟ نه! اینها نیست.

۱۲

دعای اربابان است که به بزرگان ربطی ندارد! دعوی مقتدرین است که به خلقین بی قدرت ربطی ندارد...! همین است و علاوه اینکه فرستاده شود تا ببینند در این دعوا که ام یک برنده میشوند آنوقت به آنها مربوط میشوند و آنوقت است بخواه کاسه را افتاز این - با هفت سال داخل! - بعنان من برند و تصور عم میکنند که این "حوانانی" که یکی دو سال است بخارج آمده اند عجب گذشته با دشان نیست و بنابراین میتوان هر توهن ادعائی را بآنها پذیرفت. ولی اکنون که ما ناچار به شکستن سکوت هستیم چه روایت و روابطی باید مراعات کنیم. چه راه هائی در پیش داریم؟ چگونه میتوانیم صل کنیم که به کناره مجاهدین نینقیم و کاری نکنیم که علا شوه آنها به مجموعه جنبش و جنبه ماحدول شود؟ عبارت دیگر هتک. این که آنها بطیج مبارزه را تا این حد تقلیل داده اند اما مقابل به مثل ما تبعیت از همین شیوه مذموم نخواهد بود علاوه بر پذیرفتن "رهشود" مدبرانه مجاهدین در شیوه مبارزه آنها افشا هه مسائل بنیج رژیم ایران نخواهد بود (و ما نیز با گفته نشین که میگوید از بهره برداری دشمن نباید ترسید

13

آشنا هستیم!! منظور ما بهره برداری امنیتی است
آقایان "مجاهدین"؟! آیا این گامی فزاینده در متجارب -
انتشار جزوه و ضد جزوه و ضد ضد جزوه ... نخواهد
بود؟! آیا علاوه بر دو ایراد فوق - یعنی بد پر فتن علی
شیوه ساززه مجاهدین - بهره برداری رژیم - ایراد سومی
یعنی بر به ابتذال کشیدن سازمانهای جنبش سلحشانه (و
نه ایراز واقعیت) - ایجاد احساس اشتزاز در توده های
صادقی که تصورات دیگری از انقلاب و سازمانهای انقلابی
داشتند - بوجود نخواهد آمد؟! آیا ایراد چهارمی یعنی بر
سوء استفاده نفرت انگیز دشمنان جنبش انقلابی از ضعف
های جنبش - بلند شدن فریاد گریه "دیدید ما درست
می گفتیم" (!) ها - کشاندن توده بی خبر به انفعال -
باس سرخوردگی و دنباله روی از رسوب های متحجر
گذشته - وجود نخواهد داشت؟

جواب اینها همه آری و آری... است. و "دعایش"
را هم بجان "مجاهدین" محترم باید کرد که با کورند و
نمی بینند و با کور دلند و برایشان حارح نیست.
اگر تنها چنین است باید دم فرو بندیم. سکوت هفت

ساله را هشت ساله کنیم. دروغ ها و اتهامات و تزویر ها
را بجان بخوریم و بگذاریم که آینده همه چیز را ثابت کند.
و اگر مسائل در همین حد خلاصه میشد - یعنی اگر فقط ما
بودیم که با سکوت خود صدمه میخوردیم مسلما به سکوت
ادامه میدادیم. حداکثر اتفاقی که می افتاد این بود که
عده ای این اتهامات را باور کنند و با عده ای که دنبال
مستمسک میگشتند در مجامع دانشجویی "حضور بهم رسانند"
و "اسناد" بی برو برگرد را مثلا در ثبوت همکاری ما با
حزب توده بازگو کنند. و برای مائی که این حایر ها و
حقارتهایشان را می شناسیم تحمیش بسیار ساده بود.
بخصوص که گذشته شان را دیده ایم و حالشان را خوب
می شناسیم و "چشم انداز" آینده شان را هنوز هم خوبتر.
بیچاره مارکس یا "مارکسیست" هایی که امید آینده شان
را در "نما امیدی" جبهه ای ها می بینند - چه کند؟
بگذریم. اما قضیه باینجا ختم نمیشود.

اگر فکر میکردیم مجاهدین تنها "اشتباه" کرده اند -
از دستشان دررفته است و بزودی از این کنار پیشیمان
میشوند - شاید با همه معاینش سکوت میکردیم ولی ما با

ماهیت انقلاب ایران داشته باند ولی میخواد انقلاب
کند؟! کمی هم از زاویه چشم آنها نگاه کنید. انوقت شما
و آنها نیز مانند ما کمی به آنها "حق" خواهید داد. بقا بر
این - آنها "حق" دارند جزوه و جزوات متعدد در باره انقلاب
چیزهایی که خیال میکنند "میتوانند" بد عهند و در مقابل خود
با رجم "حق" دارند هرچا زورشان نرسیده بهمت و حمل
و اخترا دست بزنند و این "حق" را همیشه بخود خوا عهند
در ادرا زمانی که دیگران بآنها حق ند عهند. و ما به آنها
این حق را نخواهیم داد. باند از توانائی محد و دمان و
باند از زور و نفوذ بحد اریک "سازمان منفرد دانشجویی"
و راه این کار هم افشا انگیزه ها و هدف های آنها - افشا
متد ها و اسلوب های کار آنها - و بر باد دادن امید های
جاه طلبانه و سگتاریستی و ضد انقلابی آنهاست. این کار
را مردم در ایران کرده اند. ما نیز بهسم خود بخشی از
آنها در اینجا نقبل میکنیم. و باز علاوه بر حقیقت فوق یعنی
بر آنکه افشا این اعدا و انگیزه ها خود بهترین اقدام
در جلوگیری از طمان گسیختگی و انحراف بیشتر است -
مستسه بسیار مهم دیگری نیز حارح است. آیا سکوت در

شناختن که در عمل از اینان بدست آورده ایم و با آشنائی
که به شیوه کار دوهی سازمانی آنها پیدا کرده ایم - و نیز
با آنچه که از شیوه های "سازره اپد لویزیون" درونی آنها
از شلاق تا تپانجه - بدست آمده است - با کارر هم
گذشتن صحبت های شفاهی و درگوشی شان و ... -
باین نتیجه رسیده ایم که انتشار این مجموعه از طرف آنها
نه تنها "اشتباه" و "اشتباه" نیست بلکه صرفا الحاحیست
از بیرویه زندگی و مبارزه آنها - نمود آنگاری است از مناسبات
درونی ناآنگار آنها. ما معتقدیم که چه ماسکوت کنیم و چه
نکنیم - جزوه و جزوات آنها در خواهد آمد - "مداول
حاد جنبش آنها" - جنبش مجاهدین - عسین هاست. بنابر
این از نظر آنها - این جزوات یکی از دیگری غنی تر - یکی از
دیگری آموزنده تر و بدیع تر باید در آند. چرا نمی بینید؟
"مسئله حاد جنبش" آنها اینست. هفت سال است خون
چگر میخورند. چه کند سازمان "مارکسیست" - لنینیستی "
کمبری که از عهده یک سازمان "منفی" - دانشجویی "
بر نمی آید؟ چه کند که حتی یک نز و نظر در مسود مبارزه
سلحشانه ندارد و چه کند که هنوز نمیتواند نشری در باره

مقابل این روش‌ها به معنای اجازه رشد و ادامه آن نیست؟ و آیا کسانی با این طرز تفکر کسانی که عادت به زورگویی دارند و خودداری دیگران را حمل بر ضعف و موجب برای تشدید حملات خود و عاملی برای تشویق در ادامه این راه نخواهند یافت؟ و این بزرگترین ضربه به رشد سالم جنبش انقلابی ایران و بزرگترین کمک به رشد انحرافات نیست؟ جواب اینها نیز همه آری و آری... است.

و ممکن است در اینجا از ما سؤال شود که چرا اکنون چنین نکرده بودیم. چرا زودتر با شیوه عمل آنها مبارزه نکرده بودیم. و جواب این سؤال در اینست که اولاً ما تا حدی که می‌دانستیم و در سطوحی دیگر مبارزه کرده بودیم (و همین است که مجاهدین نام آنها "مؤبگری" (۱۲) می‌گذاشتند). ثانیاً بین شیوه عمل مجاهدین قبل و بعد از تغییر ایدئولوژی تفاوت اساسی وجود داشت. در گذشته نیز در کنار بسیاری اقدامات انقلابی و کارهای متعدد غیرانقلابی وجود داشت ولی هیچگاه جدی نبود که افشا عینی آنها را ضروری کند بلکه ممکن بود با مبارزه با اقدامات مشخص غیرانقلابی در سطح بین دو سازمان و در منطقه

آنها را خنثی کرد ولی همین "تکامل ایدئولوژیک" (۱) آنها و این شیوه‌های غیرانقلابی سلطه مسلم پیدا کرده اند و بدتر آنکه آنها این شیوه‌ها را درست میدانند (چون "برای پروتاربا هدف مهم است" (۲) - ثالثاً - و از همه بهتر - پاره‌ای از اطلاعاتی که در مورد نحوه "مبارزه ایدئولوژیک" آنها خواهد آمد و اطلاعاتی است که متدریج در طول سال گذشته بدست آمده است و اینهاست که نشان می‌دهد مبارزه ما نمیتواند در حد اعتراض و انتقاد و پرخاش، محدود بماند بلکه باید بعد افشا آنها گسترش یابد. علی‌الخصوص که آنها نیز با گسترش شیوه مبارزاتی درون سازمانی خود به خارج از سازمان (و چه انتظاری جز این) خطرات زیادی برای جنبش انقلابی ایران و اشاعه سیستم ارباب بوجود آورده اند. و در این مورد باید بگوئیم ارباب پس از بی فایده بودن تطمیع، برای درک درست این مسئله بهتراست نمونه‌ای بسیار گویا را از "مجموعه" اخیرشان ذکر کنیم. آنها در مقدمه نشریه بحث درونی دو سازمان تهدیدات زیر را (بقول خودشان "پیشنهادهات" (۱۱) زیر را می‌کنند:

"هم اکنون نیز بنظر ما تا موقعی که دو سازمان میتوانند اختلافات اصولی خود را با آنکه به توده‌های سازمانی خود (و نه توده مردم) و در میان خود حل کنند لزومی به کشاندن این اختلافات در سطح خارج دو سازمان نیست. تجربیات این همکاری و تفاهم نیز بعداً میتواند بطریق مثبت (۱) برای نیروهای دیگر جنبش بازگو گردد. اما اگر هیچک از پیشنهادات ما نمیتواند مورد قبول شما باشد... در آن صورت روشن است که مسأله ادامه مبارزه برای تامین وحدت نیروهای انقلابی خلق و در بطن آن نیروهای انقلابی پروتاری در سطح جنبش و جامعه با شما نیز مواجه خواهیم بود و زیرا "وحدت" دیگر نه از طریق کار در میان توده‌های دو سازمان، بلکه از بهینه یک مبارزه ایدئولوژیک (۱۱) گسترش یافته در سطح جامعه عبور خواهد کرد. "تاکیدها البته از ماست (۲)

(ص ۱۲ - ۱۳)

یعنی پس از اینکه "عبور بهینه یک مبارزه ایدئولوژیک

در سطح جامعه" و حملات دیگر را بفارسی قابل فهم ترجمه کنیم (که البته دلیل این شیوه نگارش اینست که مخاطب اصلی مسئله را بفهمد ولی مردم دیگر نفهمند) و نتیجه این خواهد بود که: "اگر پیشنهادات ما (وحدت و جنبه واحد توده‌ای) را بطور خودمانی بپذیرید، از ایرادات خود به شما چیزی نمی‌گوئیم (بطریق مثبت بازگو می‌کنیم) ولی اگر نپذیرد آنوقت "بهینه مبارزه ایدئولوژیک از سطح جامعه عبور خواهد کرد". یعنی مسائل را دیگر نه بطریق مثبت بلکه بطریق منفی بازگو خواهیم کرد، بدتر آن را درخواست آورد و...!! و بنابراین در مقابل این واقعیت تضادمند که هم سکوت و هم شکستن سکوت و زیانناهی دارند (و فوائدی نیز) در مقابل این واقعیت که فعلاً مجاهدین تصمیم گرفته‌اند مسائل را "به طریق منفی" بازگو کنند و ادامه سکوت ما هم با دریافت اطلاعات جدید غیر ممکن است، نحوه برخورد مسئول کدام است؟

راهی که بنظر ما میرسد شکستن محدود سکوت است. شکستن سکوت تنها در مورد مطالبی که مجاهدین مطرح کرده اند و زیانناهی‌های هم اکنون وارد آمده است. بیان نتیجه